نهادهای جهان اسلام تا چه حد توانسته‌اند استقلال و همگرایی اسلامی را محقق کنند؟



در طول دهه‌های گذشته، جهان اسلام شاهد شکل‌گیری ده‌ها نهاد و سازمان منطقه‌ای و فراملی با اهدافی همچون تقویت همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی بوده است. از سازمان همکاری اسلامی گرفته تا مجامع علمی، فقهی، فرهنگی و تقریبی، همگی با شعار تقویت همگرایی اسلامی و دفاع از منافع مشترک مسلمانان تأسیس شده‌اند. با این حال، بررسی تحولات چند دهه اخیر نشان می‌دهد که جهان اسلام همچنان با بحران‌های مزمنی چون اختلافات داخلی، رقابت‌های ژئوپلیتیکی، وابستگی اقتصادی و نفوذ قدرت‌های خارجی مواجه است. این پرسش اساسی مطرح می‌شود که چرا با وجود این حجم از نهادهای وحدت‌آفرین، امت اسلامی هنوز نتوانسته به یک بلوک مؤثر و مستقل در نظام بین‌الملل تبدیل شود؟

نخستین عامل را باید در ماهیت دولت‌محور بسیاری از سازمان‌های اسلامی جستجو کرد. بخش قابل توجهی از این نهادها به جای آنکه نماینده واقعی ملت‌های مسلمان باشند، تحت تأثیر ملاحظات و رقابت‌های دولت‌ها قرار گرفته‌اند. در چنین شرایطی، منافع ملی کوتاه‌مدت دولت‌ها بر مصالح کلان امت اسلامی

غلبه پیدا می‌کند. هنگامی که اختلافات سیاسی میان دولت‌های اسلامی شکل می‌گیرد، همان نهادهایی که باید نقش میانجی و وحدت‌آفرین ایفا کنند، عملاً به عرصه بازتاب همان اختلافات تبدیل می‌شوند.

عامل دوم، نفوذ ساختاری قدرت‌های فرامنطقه‌ای در معادلات جهان اسلام است. بخش مهمی از کشورهای اسلامی، به‌ویژه در منطقه خلیج فارس، طی دهه‌های گذشته امنیت خود را به قدرت‌های غربی گره زده‌اند. وابستگی امنیتی به آمریکا و متحدان غربی موجب شده است بسیاری از تصمیمات راهبردی این کشورها در چارچوب ملاحظات امنیتی بیرونی تعریف شود. در چنین وضعیتی، شکل‌گیری یک سیاست خارجی مستقل اسلامی با موانع جدی مواجه می‌شود. هر اندازه وابستگی امنیتی افزایش یابد، امکان اتخاذ مواضع مشترک در برابر فشارهای خارجی کاهش می‌یابد.

عامل سوم به ضعف همگرایی اقتصادی بازمی‌گردد. جهان اسلام با در اختیار داشتن بخش مهمی از ذخایر انرژی، منابع طبیعی، بازار مصرف و موقعیت‌های راهبردی جهان، از ظرفیت تبدیل شدن به یکی از بزرگ‌ترین بلوک‌های اقتصادی دنیا برخوردار است؛ اما این ظرفیت هرگز به قدرت اقتصادی یکپارچه تبدیل نشده است. حجم تجارت درون‌اسلامی همچنان فاصله قابل توجهی با ظرفیت‌های واقعی دارد و اقتصاد بسیاری از کشورهای اسلامی به بازارها، فناوری‌ها و نظام مالی غرب وابسته مانده است. نتیجه آنکه کشورهای اسلامی به جای آنکه مکمل یکدیگر باشند، اغلب در رقابت با یکدیگر قرار گرفته‌اند.

موضوع چهارم، غلبه نگاه‌های قومی، ملی و فرقه‌ای بر هویت تمدنی اسلامی است. یکی از مهم‌ترین اهداف نهادهای تقریبی و وحدت‌گرا، تبدیل تنوع مذهبی به فرصت همکاری بوده است؛ اما در بسیاری از موارد، رقابت‌های سیاسی میان دولت‌ها به اختلافات مذهبی و قومی پیوند خورده و شکاف‌های موجود را عمیق‌تر کرده است. در چنین فضایی، اختلافات مذهبی به جای آنکه در چارچوب گفت‌وگو مدیریت شوند، به ابزاری برای رقابت‌های ژئوپلیتیکی تبدیل شده‌اند.

کشورهای حاشیه خلیج فارس نمونه‌ای روشن از این چالش هستند. این کشورها با وجود برخورداری از ثروت عظیم انرژی، موقعیت راهبردی و منابع مالی گسترده، نتوانسته‌اند یک نظام امنیتی مستقل منطقه‌ای ایجاد کنند. بخش مهمی از ساختارهای دفاعی، تسلیحاتی و حتی برخی تصمیمات راهبردی آنان همچنان به قدرت‌های خارجی وابسته است. همین وابستگی موجب شده است که در بسیاری از بحران‌های منطقه‌ای، به جای شکل‌گیری یک رویکرد اسلامی مشترک، شاهد صف‌بندی‌های متعارض و بعضاً تقابل میان کشورهای مسلمان باشیم.

از سوی دیگر، بسیاری از نهادهای اسلامی با مشکل فقدان ضمانت اجرایی مواجه‌اند. قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها و نشست‌های متعدد اگرچه از منظر نمادین اهمیت دارند، اما در غیاب سازوکارهای الزام‌آور و اراده سیاسی مشترک، توانایی چندانی برای حل بحران‌های واقعی جهان اسلام ندارند. تجربه چند دهه اخیر در موضوع فلسطین، بحران‌های منطقه‌ای و مقابله با مداخلات خارجی این واقعیت را به‌خوبی نشان داده است.

با این حال، ناکامی‌های موجود به معنای بی‌فایده بودن نهادهای وحدت‌آفرین نیست. تجربه نشان داده است هر جا گفت‌وگوهای علمی، فرهنگی و مذهبی میان نخبگان جهان اسلام گسترش یافته، زمینه‌های سوءتفاهم و تنش کاهش یافته است. نهادهای تقریبی توانسته‌اند از تبدیل بسیاری از اختلافات مذهبی به بحران‌های فراگیر جلوگیری کنند و بسترهای فکری لازم برای همگرایی را فراهم آورند. اما این ظرفیت زمانی به قدرت واقعی تبدیل خواهد شد که اراده سیاسی دولت‌ها نیز در همان مسیر قرار گیرد.

امروز بیش از هر زمان دیگر روشن شده است که وحدت اسلامی صرفاً یک آرمان فرهنگی یا مذهبی نیست، بلکه ضرورتی راهبردی برای حفظ استقلال کشورهای مسلمان است. تا زمانی که جهان اسلام نتواند میان ظرفیت‌های عظیم اقتصادی، جمعیتی، فرهنگی و سیاسی خود پیوند برقرار کند، قدرت‌های خارجی همچنان از شکاف‌های موجود بهره‌برداری خواهند کرد. آینده جهان اسلام نه در حذف تنوع‌های مذهبی و قومی، بلکه در مدیریت این تنوع‌ها ذیل منافع مشترک امت اسلامی و ایجاد سازوکارهای مستقل همکاری منطقه‌ای رقم خواهد خورد.

امید علی پور

سردبیر سیت های مجمع جهانی تقریب مذاهب